## آینه

اعتماد

### بازهم درباره فضای مجازی

● **عباس عبدی:** هفته گذشته روزنامه شهروند متنی را با عنوان «در خدمت و خیانت شبکه‌های اجتماعی» منتشر کرد که سخنرانی وائل غنیم، از فعالان شبکه‌های مجازی در مصر، بود. او کسی است که بسیاری معتقدند جرقه اولیه را به جنبش مردم مصر علیه حسنی مبارک زد... او در این سخنرانی سیر نگاهش به نقش اینترنت در اصلاح جامعه را شرح می‌دهد و اینکه چگونه با اعتقاد به این گزاره که: «اگر می‌خواهید یک جامعه را آزاد کنید، تمام چیزی که نیاز دارید، اینترنت است». وارد انقلاب مصر شد و سپس چگونه پس از بازداشت و آزادشدن و به دنبال آن سقوط حسنی‌مبارک در آسمان‌ها سیر کرد و پس از آن چگونه راه افول را پیش گرفت و چیزی نگذشت که با کودتای سیسی، انفعال و سکوت را پیشه کرد و دو سال تمام سکوت کرد و با این سخنرانی در نقد فضای مجازی سکوت خود را شکسته و به این گزاره رسیده است که: «امروز من معتقدم اگر می‌خواهیم جامعه‌ای را آزاد کنیم، اول باید اینترنت را آزاد کنیم»... تقریبا تمام ایرادهای وائل غنیم را به صورت شخصی در گروه‌های تلگرامی محدودی که عضو هستم، تجربه کرده‌ام. از طرح مسائل غیرواقعی و شایعه و حتی جعلی و دروغ که همه آنها واقعیت پنداشته می‌شود، تا فضای غیرآزاد این شبکه‌ها که نوعی استبداد در آن وجود دارد که دیگران احتیاط می‌کنند تا مبادا حرفی بزنند و اگر بزنند به سرعت محکوم می‌شوند و نیز از عصبانیت شدید و لحن بدگفتاری که در گفت‌وگوهای مجازی می‌توان دید و محدودیت‌های ارتباطی اعضا به افراد همسو و بازتولید داده‌ها و ارزش‌ها و تحلیل‌های حمایت‌کننده این گروه‌های همسو نیز به وفور دیده می‌شود. به‌طوری که می‌توان گفت که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به‌جای آنکه به بخشی از راه‌حل تبدیل شوند، در حال تبدیل‌شدن به بخشی از مشکل هستند. البته تأکید کنم این وجوه منفی ماجراست؛ درحالی‌که ابعاد مثبت آن را شرح نداده‌ام، در غیراین‌صورت طبعا عضو هیچ گروهی نمی‌شدم. اتفاقا مسیر استفاده از این شبکه‌ها رو به جلو و در حال پیشرفت است؛ بااین‌حال باید نسبت به عوارض این فضا حساس بود.

دنیای اقتصاد

### دروازه‌های فساد اقتصادی

**محمود صدری:** سیاست‌مداران هنگام سخن‌گفتن از فساد، به‌ویژه فساد اقتصادی، غالبا «نقش ایوان» را در نظر دارند، نه «پای‌بست خانه» را. نقش ایوان فساد، پرداختن به ارقام فساد و درترازوگذاشتن کارنامه‌های پاک‌دستی و کژدستی از جنبه مقداری است. گویی اگر حجم فساد کم بود، می‌توان آن را کم‌اثر و غیرقابل اعتنا به‌شمار آورد و مثلا تبدیل فساد ۱۲۳ میلیاردی به سه هزار میلیاردی را صرفا تغییری کمی تعبیر کرد و لابد با سنجه تورم و تغییر قدرت خرید، این دو رقم را در ترازنامه‌ای گنجاند و مردم را قانع کرد که «اگر این دولت چنین کرده، آن یکی دولت هم چنان کرده و این به آن در». حال آنکه آن دسته از ممالکی که توانسته‌اند بر فساد فائق آیند، معیار ارزیابی‌شان اعداد و ارقام فساد نبوده؛ بلکه نفس فساد و تأثیر ویرانگر آن بر اعتماد عمومی و اقتصاد بوده است. پس آنچه پای‌بست فساد را چاره خواهد کرد یا دست‌کم از دامنه آن خواهد کاست، خارج‌کردن مبحث فساد از چارچوب‌های مقداری و بررسی انتقادی آن از منظر عوامل شکل‌دهنده فساد است:

۱- وجه مشترک همه ادواری که در مقدمه این نوشته به آنها اشاره شد، عاملیت اقتصادی تمام‌عیار دولت (به معنایی فراتر از قوه مجریه) و سلطه بی‌چون‌وچرای آن بر منابع و تخصیص دل‌بخواهی این منابع بوده است... .

۲- تسلط دولت بر بخشی از اموال که برای ارائه کالاهای عمومی ضروری است، تا آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی اجتناب‌ناپذیر است. این تسلط حداقلی و ناگزیر، باید ذیل حکومت قانون و به‌گونه‌ای کاملا قابل‌احصا در آغاز کار هر دولتی به آن سپرده شود و در پایان کارش تحویل گرفته شود... .

آفتاب

### تأثیر انتخابات پارلمانی سوریه

**صلاح‌الدین هرسنی:** انتخابات روز چهارشنبه ۱۳ آوریل۲۰۱۶ در شرایطی برگزار گردید که سوریه درگیر جنگی خونین در درون کشور است و نیمی از رأی‌دهندگان نیز از این کشور فرار کرده‌اند و حتی اگر می‌خواستند قادر به دادن رأی نبودند... نکته آنکه تحت این شرایط طرفداران دولت در این انتخابات در مناطق تحت کنترل دولت پرشور ظاهر شدند؛ ولی مخالفان آن را تحریم کردند؛ اما به نظر می‌رسد این تحریم‌ها از اعتمادبه‌نفسی که بشار اسد ظاهراً در روزهای اخیر به واسطه پیشروی‌های ارتش به دست آورده، چیزی کم نکرده است... به باور این مخالفان این انتخابات در وقت حاضر و در شرایطی که طرف‌های درگیر هنوز هم مستقیم با یکدیگر برای صلح در ژنو وارد مذاکره نشده‌اند، بیانگر اراده همه ملت نیست... . گروه‌های مخالف بر این باورند که بشار اسد تصور می‌کند که در جنگ بی‌وقفه پنج‌ساله کشور ورق به نفع او و نظام سیاسی او برگشته است؛ لذا به نظر می‌رسد که بشار اسد آمادگی مصالحه سیاسی ندارد... .

نگاهی به مواضع نامزد جمهوری‌خواه انتخابات آمریکا

# ترامپ و ایران

جمال دادخواه

حالا دیگر برای جلوگیری از معرفی «دونالد ترامپ» به‌عنوان نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که در ماه «نوامبر» برگزار می‌شود و مستاجر کاخ سفید را برای چهار سال آینده تعیین می‌کند به یک معجزه نیاز است. در دانشنامه «ویکی‌پدیا»، ترامپ با واژه‌هایی مانند «ابرتاجر، نویسنده، سرمایه‌گذار و مجری تلویزیون» توصیف شده است. این غول املاک و مستغلات آمریکا، که آسمان‌خراش ۵۸ طبقه خیابان پنجم منهتن، تنها بخش کوچکی از دارایی‌های اوست، در داخل و خارج این کشور به یک اندازه مایه نگرانی شده است. بسیاری در ایالات متحده و سایر نقاط جهان دل‌نگران سیاست‌هایی هستند که او به‌عنوان نماینده افراطی‌ترین گرایش طرفدار سرمایه‌داری لجام‌گسیخته در درون حزب جمهوری‌خواه، آن را نمایندگی می‌کند. انتخابات درون‌حزبی هفته گذشته در نیویورک که با پیروزی «دونالد ترامپ» و «هیلاری کلینتون» در احزاب جمهوری‌خواه و دموکرات همراه بود تقریبا تکلیف نامزدهای هر دو حزب را برای انتخابات آینده ریاست‌جمهوری آمریکا روشن کرد. «تد کروز» و «برنی سندرز» به‌عنوان نزدیک‌ترین تعقیب‌کنندگان ترامپ و کلینتون هنوز دستان خود را به نشانه تسلیم کامل بالای سر نبرده‌اند، اما دیگر کمتر کسی است که با این پیش‌بینی مخالف باشد که انتخابات نوامبر، صحنه شکل‌گیری دوقطبی کلینتون- ترامپ خواهد بود.

«۱۵۰ میلیارد دلار به ایرانی‌ها می‌دهیم بدون اینکه در قبال آن، چیزی از آنها بگیریم. این موافقت‌نامه یک رسوایی است». این جملات که در ۱۵ مارس و پس از پیروزی ترامپ در ایالت‌های ایلینوی، کارولینای شمالی و فلوریدا مطرح شدند، شاید از معروف‌ترین و خوانده‌شده‌ترین اظهارنظرهای ترامپ در مورد ایران و برجام بوده‌اند که خود گویای سطح دانش و درک این نامزد حزب جمهوری‌خواه در حوزه دیپلماسی و نیز در قبال ایران و مسئله هسته‌ای است. در ادامه، مباحثی مطرح خواهند شد که تفکر ترامپ در حوزه سیاست خارجی و مواضع او در قبال ایران را روشن می‌کنند و در وهله کنونی سعی در قانع‌کردن ما برای پایین‌آوردن سطح انتظاراتمان از ترامپ تا حد جمله اول این متن را دارند.

### دانش ترامپ در حوزه سیاست خارجی

بسیاری از نظرات و پاسخ‌های ترامپ به سؤالات خبرنگاران یا طرف‌های مناظره، نشان‌دهنده دانش و درک بسیار سطحی وی در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی است. می‌توان گفت همان مقدار که ترامپ در زمینه تجارت و دادوستد به‌عنوان غولی در نیویورک و حتی سراسر ایالات متحده شناخته شده است، به همان میزان از ضعف و عدم علاقه در سیاست خارجی رنج می‌برد. این نامزد جمهوری‌خواه در مصاحبه‌های متعددی از پاسخ به سؤالات بسیار پیش‌پاافتاده و ارائه اطلاعاتی دم‌دستی در این حوزه طفره رفته است. یکی از معروف‌ترین این موارد، مصاحبه‌ای با هیوگ هیوئیت بود که نشان داد ترامپ حتی در امر شناختن و تشخیص افراد و نیروهای شاخص خاورمیانه نیز به‌شدت مشکل دارد. از میان این موارد می‌توان به تشخیص‌ندادن نیروهای کرد از سپاه قدس، ندانستن تفاوت بین حماس و حزب‌الله و نیز تشخیص‌ندادن سیدحسن نصرالله از البغدادی یاد کرد. ادعای او در مصاحبه مذکور نیز این بود که مجری قصد گیرانداختن او را داشته و اینکه «تا سال آینده که من در کاخ سفید هستم، هیچ‌کدام از این افراد و سران در سمت‌های خود نخواهند بود و در آن زمان من قطعا بیش از تو (مجری) در این موارد خواهم دانست» و نگاهی به اولین جمله این متن در رابطه با توافق‌نامه هسته‌ای نیز اوج بی‌اطلاعی او از کلیت ماجرا را می‌رساند. این نامزد جمهوری‌خواه در زمان اظهار این جمله فکر می‌کرده ۱۵۰ میلیارد دلار مذکور را آمریکا در ازای هیچ، از خزانه خود به ایران تقدیم خواهد کرد. پس موضوع بدهی‌های آمریکا را پیش کشیده و پرداخت این مقدار را به ضرر اقتصاد آمریکا می‌داند. ترامپ از این موضوع بی‌خبر است که این مقدار پول (یا هر مقدار دیگری)، دارایی‌های بلوکه‌شده ایران بوده، نه پول آمریکایی‌ها و اینکه ایران نیز امتیازاتی در برابر دریافت آنها و رفع تحریم‌ها داده است.

مواردی از این دست، ما را به سوی این سؤال اساسی سوق می‌دهند که آیا می‌توان روی حرف‌ها و مواضع ترامپ در این مقطع، حسابی باز کرد یا خیر؟ در جواب این سؤال، طرح دو مبحث ضروری به نظر می‌رسد:

**۱. مشاوران و دستیاران ترامپ در حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی**

در طول تاریخ بیش از دوسده‌ای ایالات متحده، همواره رؤسای جمهوری بوده‌اند که دانش چندانی در حوزه‌های فرامرزی نداشته یا در آن حوزه‌ها دارای ضعف‌های اساسی بوده‌اند. اما در اکثر موارد، حضور صاحب‌نظران و مشاورانی از این حوزه‌ها در اطراف این رؤسای جمهور، این ضعف‌ها را تا حدودی جبران می‌کرده است. ولی در این مورد هم ترامپ یک استثناست. با نگاهی اجمالی به فهرست هشت‌نفره افرادی که ترامپ به‌عنوان همراهان خود در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی انتخاب کرده، می‌توان گفت این نامزد جمهوری‌خواه در مقایسه با برخی از افراد معرفی‌شده در این حوزه‌ها، شاید یک نابغه و شاهکار به نظر بیاید! حتی در بررسی رزومه ارائه‌شده توسط یکی از این افراد، به مواردی بر می‌خوریم که به‌یقین می‌توان نام دروغ بر آنها نهاد! این فرد کسی جز جورج پاپادوپولوس نیست که رزومه‌اش با اشکالاتی اساسی روبه‌روست و هیچ‌گاه پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای در قبال این مغایرت‌ها ارائه نداده است. او خود را سخنران اصلی کنفرانسی در سال ۲۰۰۸ معرفی کرده که سخنران اصلی آن کنفرانس در واقع فرد دیگری بوده است. در موردی دیگر، به حضور خود در کنفرانسی در سال ۲۰۱۲ در ژنو اشاره کرده که دو نماینده آمریکایی حاضر در کنفرانس مذکور (که تنها نمایندگان آمریکا نیز بوده‌اند)، حضور چنین فردی را اصلا به یاد نمی‌آورند و نیز حضور به‌عنوان یکی از اعضای اصلی مؤسسه هادسن که در واقع ادعایی خلاف واقعیت بوده و پاپادوپولوس صرفا در مدتی کوتاه نقش یک دستیار کارآموز را در آنجا ایفا می‌کرده است. همچنین حضور چهار نظامی در بین این هشت نفر، انتقادات زیادی را از نحوه چینش و انتخاب این افراد در پی داشته است. هنگامی که از ترامپ سؤال شد در مورد سیاست خارجی، بیشتر به حرف چه کسانی گوش می‌دهد، او خودش را بهترین مشاور خود معرفی و اظهار کرد مغز بسیار خوبی دارد و تاکنون کارهای بسیار خوبی نیز انجام داده است! (شاید این طرز برخورد از روش‌های مدیریتی ترامپ نشئت بگیرد که اعتقاد دارد و توصیه می‌کند که هیچ‌گاه نباید افراد باهوش‌تر از خود را استخدام کنید.) از طرف دیگر، بسیاری از نخبگان در حوزه‌های سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا نیز از هم‌اکنون از حضور در اطراف یا کابینه احتمالی دونالد ترامپ انصراف داده و به‌نوعی او را تحریم کرده‌اند. از میان این افراد می‌توان به الیوت کوئن، رابرت کیگن، نیال فرگوسن و بیش از صد نخبه دیگر در این حوزه‌ها در ایالات متحده اشاره کرد که در نامه‌ای، اعتراض‌ها و مخالفت‌های خود را با مواضع و نقطه‌نظرهای ترامپ اعلام کرده و حضور و کمک خود را پیشاپیش از او دریغ داشته‌اند.

**۲. نداشتن سابقه اجرائی**

در میان چهار نامزد جدی باقی‌مانده دو حزب اصلی، تنها هیلاری کلینتون سال‌هایی را در کاخ سفید به‌عنوان بانوی اول و نیز وزیر خارجه دوره اول اوباما، در کنار سناتوری نیویورک در کارنامه دارد. دو نامزد دیگر (سندرز و کروز) به‌عنوان سناتور ایفای نقش کرده‌اند اما ترامپ هیچ‌کدام از این موارد را در کارنامه خود نداشته است. این مهم سبب شده هیلاری در مقایسه با سایر نامزدها، آشنایی بیشتری با فضای اداره کشور در سطوح بالاتر داشته و تا حدود زیادی با فشارها و واقعیت‌های موجود در سطوح بالای سیستم آشنایی بهتری داشته باشد. به همین دلیل است که مواضع کلینتون از نظر تطابق با واقعیات و عملی‌بودن، در بسیاری از موارد محافظه‌کارانه‌تر از سندرز و حتی رقبای جمهوری‌خواهش بوده است (که به عقیده بسیاری، همین قابل پیش‌بینی‌بودن و نداشتن لحن انقلاب‌گونه یا متفاوتی که سندرز و ترامپ از آن بهره می‌برند، جذابیت او را برای نسل‌های جوان‌تر کاهش داده است). این نداشتن سابقه اجرائی باعث می‌شود که نتوان بر مواضع دیگر رقبای کلینتون در طولانی‌مدت حساب باز کرد و آنها را با واقعیات تطبیق داد. نکته دیگر اینکه ترامپ، که پس از پیروزی قاطع خود در انتخابات مقدماتی ایالت نیویورک یک قدم به کسب نامزدی حزب جمهوری‌خواه نزدیک‌تر شده، به‌عنوان یکی از نامزدهای در تقابل با سران اصلی حزب جمهوری‌خواه شناخته می‌شود. اما درنظرگرفتن این نکته ضروری است که ترامپ در صورت انتخاب‌شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور و تبدیل‌شدن به بالاترین مقام حزب خود، دیگر برچسب کنونی ضدسران را با خود به همراه نخواهد داشت و جزئی از سیستم خواهد شد و بسیاری از سران، چه مخالف و چه موافق با مواضع او، مجبور به همراهی با او در بسیاری از موارد خواهند بود و او نیز باید با ملاحظه بیشتری با آنها برخورد کند. بنابراین در مورد وعده‌های امثال ترامپ در همه موارد و به‌خصوص در قبال ایران در این برهه زمانی و در کارزار داغ انتخاباتی که خود عاملی محرک برای ارائه وعده‌هایی اغراق‌آمیز است، باید با هیجان‌زدگی کمتری برخورد کرد و شاید در این وهله، نباید او را چندان جدی گرفت!

### دونالد ترامپ، مرکانتیلیست

نیروی محرکه سیاست خارجی دونالد ترامپ، نه ایدئولوژی و نه مناسبات و محاسبات ژئوپلیتیک است. این خلأ ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی را پول، پُر می‌کند. نگاهی که ترامپ به دوست و دشمن و بی‌طرف دارد، نگاهی است که از دید سرمایه‌دارانه او به دنیا نشئت می‌گیرد. او در اندیشه قدرتمندکردن آمریکاست و قدم اول و اساسی را در این راه، ثروتمندکردن این کشور می‌داند. پس معیار اصلی او برای ارزیابی روابط و مناسبات کنونی (مانند ارزیابی‌اش از برجام) و نیز نیروی محرکه آنها در دوران ریاست‌جمهوری احتمالی‌اش، سودآوری و ضرردهی اقتصادی آن روابط است. او به صورت بالفطره خود را تاجری موفق معرفی می‌کند و در چنین دنیایی، پول حرف اول را زده و می‌تواند حتی فرم‌دهنده سیاست خارجی شود. همین جهان‌بینی ترامپ است که او را وامی‌دارد تا در مصاحبه‌ای مفصل با نیویورک‌تایمز اعلام کند که چنانچه ژاپن و کره‌جنوبی هزینه بیشتری برای نیروهای ما نپردازند، ما نیز خاک آن کشورها را ترک می‌کنیم و توصیه می‌کند که آنها نیز برای موازنه قدرت با کره‌شمالی، سلاح هسته‌ای تهیه کنند. اظهاراتی که با واکنشی جدی از جانب اوباما مواجه شدند. او نظرات مشابهی در قبال ناتو و عربستان سعودی نیز دارد و اعتقاد دارد چنانچه اروپایی‌ها پول بیشتری نپردازند، دلیلی برای ادامه همکاری به این نحو در قالب ناتو برای ایالات متحده وجود نخواهد داشت. همین‌طور عربستان سعودی نیز باید برای جنگ با داعش هزینه بیشتری را متقبل شود وگرنه ممکن است با روی خوش آمریکا مواجه نشود. ترامپ اما در مورد داعش، سرسخت به نظر می‌رسد ولی باز هم در انتها، در صورت شکست داعش، سودای نفتش را در سر می‌پروراند! چنین نگاه ساده‌انگارانه‌ای به سیاست خارجی و امنیت ملی، بدون درنظرگرفتن مزایای ادامه روابط با بسیاری از کشورها به‌خصوص در زمینه‌های اطلاعاتی، نشئت‌گرفته از همان نداشتن تجربه اجرائی ترامپ است. با گذر زمان، قطعا درک او از روابط خارجی بالاتر خواهد رفت و سنجیده‌تر از حال عمل خواهد کرد. با این حال، نداشتن اطلاعات پایه‌ای و اساسی، همان‌طورکه برای جورج بوش در سال‌های اول دوران ریاست‌جمهوری‌اش، امتیازی منفی به حساب می‌آمد و خساراتی برای ایالات متحده به بار آورد، در مورد ترامپ نیز می‌تواند صادق باشد. چنین رؤسای جمهوری، به‌خصوص در موارد اضطرار و فوریت، ممکن است اقداماتی انجام دهند که عواقب آن برای سال‌ها یا دهه‌ها دامنگیر ایالات متحده و کشورهای درگیر شود.

### همیشه به دنبال سود

ترامپ همواره بر شایستگی‌های خود در مورد بستن و به‌ثمررساندن توافق‌نامه‌ها و قراردادها تأکید فراوان داشته است. او در سخنرانی‌هایش چندین‌بار از اینکه مذاکره‌کننده خوبی است، سخن به میان آورده و بر این امر که بر مفاد هر توافق‌نامه‌ای باید با سخت‌گیری زیادی نظارت شود و طرف‌ها به اجرای آنها پایبند بمانند، تأکید ورزیده است. او در مورد برجام نیز چنین نظری دارد و با اینکه با کلیت آن موافق نیست و آن را یک رسوایی می‌خواند، اما اعتقاد دارد نباید در روز اول ریاست‌جمهوری‌اش آن را نادیده بگیرد (برخلاف امثال تد کروز و مارکو روبیو) و به آن پشت پا بزند که این مهم را شاید بتوان به رویه تجاری وی نسبت داد تا به دوراندیشی سیاسی‌اش. وی برجام را از بین نخواهد برد ولی شاید بیش‌ازحد بر رعایت تک‌تک موارد موجود در آن وسواس به خرج دهد. همان‌طورکه در بالا اشاره شد، وی از مناسبات سودآور در زمینه مالی حمایت می‌کند و در این امر شاید دوست و دشمن برایش تفاوتی نداشته باشد. نمونه این نوع تفکر ترامپ را می‌توان در مورد فروش هواپیما و تجهیزات مربوطه به ایران یافت. او در چند مورد از اینکه ایرباس اروپایی‌ها بتواند با ایران تجارت داشته باشد (آن هم با پول‌هایی که «ما» در نتیجه برجام به ایرانی‌ها داده‌ایم!) ولی بویینگ آمریکایی‌ها از این مبادلات سودی نبرد، شکایت کرده است. پس می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که از نظر دونالد ترامپ، مادامی که روابط با ایران یا هر کشور دیگری از نظر اقتصادی برای ایالات متحده سودرسان باشد، او احتمالا از برقراری چنین ارتباطاتی ابایی نخواهد داشت.

# مخاطرات کشاندن شاهزاده‌های سعودی به دادگاه آتلانتیک

ترجمه: مونس نظری

شاید تماشای کشانده‌شدن شاهزادگان میلیاردر مسئول حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر به دادگاه رضایت‌بخش باشد، ولی آیا در مورد نتیجه آن هم می‌توان تا این حد مطمئن بود؟

این قانون که در ماه ژانویه به اتفاق آرا به تصویب کمیته قضائی سنا رسید به آمریکایی‌ها اجازه می‌دهد در مقابل دولت‌های حامی حملات تروریستی واقع در خاک آمریکا اقامه دعوی کنند. ۱۵ نفر از میان ۱۹ هواپیماربا عربستانی بوده‌اند و بعضی اعتقاد دارند حتی بخش‌هایی از دولت عربستان سعودی در حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر نقش داشته‌اند، که این موضوع به این معناست که قربانیان این حادثه حق شکایت از عربستان را دارند. قربانیان حمله تروریستی در مقابل شاهزاده‌های عربی که حتی به همسران خود اجازه رانندگی‌کردن نمی‌دهند؛ این از دید سیاست‌مداران آمریکایی تقابل چندان دشواری هم نیست. آمریکایی‌ها مدارکی در دست دارند که نشان می‌دهد حداقل تعدادی از افراد رژیم سعودی در حملات ۱۱ سپتامبر دست داشته‌اند. کمیسیون ۱۱/۹ مدرکی پیدا نکرده که نشان دهد دولت عربستان سعودی یا مقامات ارشد عربستان بودجه این سانحه را تأمین کرده‌اند. ولی بنا بر گفته نیویورک‌تایمز این احتمال وجود دارد که مقامات سطح پایین‌تر در این حادثه نقش داشته‌اند. سال گذشته زکریا موسوی‌فرد موسوم به «بیستمین هواپیماربا» شهادت داد که مقامات عربستان سعودی در سال‌های پیش از این سانحه میلیون‌ها دلار در اختیار القاعده قرار داده بودند. ولی همان‌قدر که تماشای کشانده‌شدن شاهزادگان عرب به دادگاه می‌تواند رضایت‌بخش باشد، به همان میزان تصویب قانون حمایت از اجرای عدالت در مورد دست‌اندرکاران اقدامات تروریستی هم ایده نامناسبی است. پرزیدنت اوباما حق داشته که این قانون را تهدید به وتو کند. برای درک دلیل آن بد نیست به تمایزی که ماکس وبر میان «اخلاق مسئولیت» و «اخلاق هدف نهایی» قائل می‌شود، استناد کنیم. بر مبنای قانون «اخلاق هدف نهایی» یک فعل وقتی اخلاقی است که هدفی اخلاقی داشته باشد. هدف اجرای عدالت در مقابل حامیان تروریسم در مورد خانواده‌های آسیب‌دیده هدفی اخلاقی است. خب این به نظر قابل درک می‌آید. ولی مقوله «اخلاق مسئولیت» به این روشنی نیست؛ چراکه کسی را می‌طلبد که بتواند گزارشی از نتایج قابل پیش‌بینی اقدامات ارائه دهد. انگیزه ممکن است خالص باشد (گرچه همان‌طور که راینهولد نیبور بارها اشاره کرده است افراد و ملت‌ها گاهی انگیزه‌هایشان را حتی از خود نیز پنهان می‌کنند). ولی حتی با وجود روشن و خالص‌بودن انگیزه نیز این امکان وجود دارد که نتایج تیره‌وتار باشند.

حال «نتایج قابل پیش‌بینی» این پدیده را در نظر بگیرید:

به قربانیان حادثه اجازه داده شود تا از ریاض شکایت کنند. وزیر امور خارجه عربستان هشدار داده که اگر قضات آمریکایی بتوانند دارایی‌های اعراب را برای پرداخت به قربانیان بلوکه کنند، عربستان سعودی اوراق خزانه به ارزش ۷۵۰میلیارد دلار و سایر دارایی‌های آمریکایی را که در اختیار دارد به فروش خواهد رساند. بسیاری از تحلیلگران آمریکایی این را فقط بلوف می‌دانند؛ چراکه به عقیده آنها هزینه اقتصادی چنین اقدامی برای عربستان سعودی بسیار بیشتر از ایالات متحده آمریکا خواهد بود. ولی این اواخر عربستان اقدامات عجولانه‌ای از این دست کم انجام نداده است. مثل جنگ وحشیانه‌ای که سال گذشته در یمن راه انداخت یا اعدام روحانی مخالف شیعه در ماه ژانویه؛ اقدامی که باوجود مخالفت‌های آمریکا صورت گرفت و باعث شد تظاهرکنندگان ایرانی سفارت عربستان سعودی را در تهران به آتش بکشند. ماه پیش هم میلیاردها دلار را صرف کمک به لبنان کردند. بنابراین همان‌گونه که در سرمقاله روزنامه واشنگتن‌پست هم به آن اشاره شده رفتار پادشاه عربستان «بی‌ملاحظه و بی‌پروا» بوده است.

بنابراین وقتی عربستان سعودی ادعا می‌کند که با اقدامات مخرب اقتصادی دست به مقابله خواهد زد تا چه میزان می‌توان چنین تهدیدی را جدی گرفت؟ این سؤالی نیست که هیلاری کلینتون، برنی سندرز، یا تد کروز قادر به پاسخ‌گویی به آن باشند.

حتی اگر سعودی‌ها با فروش دارایی‌های آمریکا نیز دست به تلافی نزنند، راه‌های دیگری برای متضررکردن ایالات متحده دارند. بدون حمایت عربستان، آمریکا امید چندانی به پایان‌بخشیدن به جنگ فاجعه‌بار داخلی سوریه نخواهد داشت. همین‌طور جنگ داخلی‌ای که دارد یمن را به ویرانی می‌کشد.

هانس مورگنتا، محقق مشهور در روابط بین‌الملل چنین می‌نویسد: در سیاست خارجی بهترین اقدامی که یک کشور می‌تواند انجام دهد، این است که از میان چند اقدام محتمل، عملی را برگزیند که ضرر کمتری داشته باشد. اگر سیاست‌مداران حامی اجرای عدالت در مقابل اعمال تروریستی بتوانند با ملاحظه چنین ابعادی باز هم از این رویکرد جانبداری کنند - اگر با وجود علم به هزینه‌های مترتب بر آن هنوز هم حامی آن باشند- آن هنگام است که جهت‌گیری‌هایشان قابل تأمل خواهد بود؛ کاری که کلینتون، سندرز و کروز هیچ‌وقت سعی در انجامش نداشتند.

## آینه دیروز

### ۹ سال پیش در چنین روزی

کیهان

● لاریجانی در واکنش به تصمیم اخیر اتحادیه اروپا تشریح کرد: رقص دیپلماتیک اروپا به جای مذاکره
● در آستانه سفر به تهران، زیباری: موفقیت اجلاس شرم‌الشیخ منوط به حضور ایران است
● احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی پخش زنده با تلویزیون اسپانیا: نیاز به ترجمه حرف‌های آمریکا از سوی اروپا نداریم
● نوری مالکی: تلاش‌ها برای آزادی پنج دیپلمات ایرانی ادامه دارد
● مخالفت و مانع‌تراشی آمریکا در برابر تفاهم‌نامه گازی ایران و اتریش
● مرکز تحقیقات شورای نگهبان: تجمیع انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری مغایر قانون اساسی است
● اورتگا در دیدار با متکی: ایران بزرگ‌ترین قربانی تروریسم است

اعتماد

● انتقاد رئیس قوه قضائیه از شیوه برخورد با بانوان
● دادستان تهران: زندان و تبعید در انتظار مانکن‌های خیابانی است
● محمود احمدی‌نژاد: به دنبال مخدوش‌شدن روابط‌مان با اروپا نیستیم
● رئیس کل دادگستری استان تهران عنوان کرد: انتقاد از موج تخریب‌ها علیه قوه قضائیه
● بوریس یلتسین معمار فروپاشی شوروی درگذشت
● دیدار نمایندگان مجلس با ناطق‌نوری
● هشدار آیت‌الله صانعی به برگشت ارتجاع
● محاکمه متهمان سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ به صورت غیرعلنی
● ترکیه میزبان مذاکرات لاریجانی و سولانا
● اتحادیه اروپا تحریم‌های بیشتری را در قبال تهران تصویب کرد

ابتکار

● سعید ابوطالب: نشانه‌ای برای رسیدن به لیست واحد اصولگرایی وجود ندارد
● گفت‌وگوی رئیس‌جمهور با تلویزیون اسپانیا؛ احمدی‌نژاد: این ما نبودیم که رابطه خود را با آمریکا قطع کردیم
● عقب‌نشینی دولتمردان آمریکا؛ رایس: به دنبال تغییر حکومت در ایران نیستیم
● آذر منصوری، معاون دبیرکل جبهه مشارکت: استفاده از چهره‌های ملی در پیروزی اصلاح‌طلبان مؤثر است
● محمد سلامتی: مجلس نباید موارد صریح نقض قانون اساسی را تصویب کند
● اختلاف اصولگرایان درباره عزل فرشیدی
● وزیر دادگستری: مسئولیت سیاسی استانداران نباید فراموش شود

جمهوری اسلامی

● فرمانده پلیس راه: جاده‌های شمالی کشور دیگر گنجایش ندارد
● رئیس‌جمهوردر گفت‌وگو با تلویزیون اسپانیا: اروپا باید موضعی جدا از آمریکا در گفت‌وگو با ایران اتخاذ کند
● وزیر کشور: طرح تجمیع انتخابات اشکال قانون اساسی دارد
● دکتر لنکرانی: حقوق پرسنل وزارت بهداشت تا ۶۰ درصد اضافه می‌شود
● ارتش اسرائیل برای دور تازه تهاجم به نوارغزه آماده می‌شود
● رئیس قوه قضائیه: همکاری سه قوه برای برخورد با مفاسد اجتماعی ضروری است
● نوری مالکی دستور توقف ساخت دیوار حائل در بغداد را صادر کرد

ایران

● احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی همزمان با رویترز و شبکه العالم: بوش به میدان مناظره بیاید
● رئیسی: وضع امنیتی شرق کشور مطلوب است
● وزیر کشور در حاشیه همایش استانداران سراسر کشور: دولت چیزی را اجرا می‌کند که قانونی باشد
● مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور در نامه‌ای به فرمانده نیروی انتظامی: تذکر اول را به نهادهای آموزشی بدهید
● شهردار تهران در واکنش به خبر اتهام ۳۳۰ میلیارد تومانی: احتمال اشتباه وجود دارد، تخلف را رد می‌کنم

اطلاعات

● مصوبه شورای پول و اعتبار در مورد تثبیت سود بانکی قطعی نیست
● احمدی‌نژاد: جهان باید ورود ایران به باشگاه هسته‌ای را بپذیرد
● رئیس‌جمهوری در گفت‌وگو با تلویزیون اسپانیا: ما اهل گفت‌وگو هستیم و علاقه‌مندیم مسائل را از طریق مذاکره حل کنیم
● آمریکا: از مخالفت برای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی دست کشیدیم